انترناسیونال ٧٥٦

**مروری بر مهمترین رویداهای ٩٦**

گفتگوی خلیل کیوان با حمید تقوایی

**خلیل کیوان:** بنظر شما مهمترین رخدادهای 96 چه بود؟

**حمید تقوایی:** رویدادها را میتوان به دو دسته تقسیم کرد. تحولات در میان صفوف حکومت و تحولات در رابطه جامعه و توده مردم با حکومت. که این دو البته بهمدیگر کاملا مربوط هستند.

در دسته اول مهمترین رویداد انتخابات ریاست جمهوری بود و در دسته دوم خیزش انقلابی مردم در بیش از نود شهر.

در سال گذشته ما از یکسو شاهد تشدید و حاد شدن کشمکش میان صفوف حکومت در حین انتخابات و پس از آن بودیم. علاوه برنزاع همیشگی میان اصولگرایان و اصلاح طلبان، احمدی نژاد و دار و دسته اش هم به سیرک جنگ مغلوبه دار و دسته جات حکومتی اضافه شدند. دولت روحانی و طرفداران آن، که خود به دو باند رفسنجانی و خاتمی یا خط سبز و خط بنفش تقسیم میشوند، باند احمدی نژاد- مشائی، قوه قضائیه، بیت رهبری و فراکسیونها متناظر آنها در مجلس اسلامی، آش در هم جوشی را بوجود آورد که دیگر با تقسیمبندی قدیمی اصولگرا- اصلاح طلب قابل تعریف و توضیح نبود. همه بجان هم افتاده بودند و از دزدیها و جنایات یکدیگر افشاگری میکردند. حتی کار بجائی کشید که خامنه ای گله های حزب الله را در مقابله با دولت و طرفدارنش "آتش به اختیار" اعلام کرد و از جناح مخالف پاسخ گرفت که این امری دو طرفه است!

شاید از نظر سیاسی کشورهای دیگری هم بتوان یافت که تشتت سیاسی حکومتگرانش دست کمی از جمهوری اسلامی نداشته باشد ولی خودویژگی شرایط ایران نه رقابتهای سیاسی و یا حتی اقتصادی، بلکه خود افشاگری حکومتی ها از دزدیهای میلیاردی یکدیگر و دست داشتن باندها و مقامات جناح رقیب در کشتار و جنایت علیه مردم است (نظیر افشاگری از رئیسی در رابطه با اعدامهای دهه شصت در دوره انتخابات و کلا باز شدن مجدد پرونده کشتارها بوسیله طرفداران منتظری). هر یک از این موارد در هر کشور دیگری برای استعفا و یا برکنار کردن یک دولت کافی است اما در جمهوری اسلامی این وضعیت به یک حالت عادی و نرمال نظام حاکم تبدیل شده است.

نکته قابل توجه اینست که این کشاکش ادامه خطی دعواهای گذشته نیست. حکومتی ها در ماه های بعد از انتخابات شرایط را با دوره بنی صدر مقایسه میکردند. حتی خامنه ای به روحانی در مورد تکرار تجربه بنی صدر هشدار داد. اما شرایط امروز کاملا بر عکس دوران بنی صدر است. در آن دوره رئیس جمهور تمام مشروعیت خودش را از حمایت ولی فقیه میگرفت. امروز بر عکس است، رئیس جمهور عملا اعتبار خود را از مخالفت با ولی فقیه کسب میکند. بی آبروئی و بی اعتباری ولی فقیه بعنوان راس و نماد و مظهر نظام جمهوری اسلامی حتی در میان خود حکومتی ها، یک ویژگی نظام حاکم و نشانه ضعف و انحطاط بیش از پیش و بحران و بن بست آن است.

از سوی دیگر، در رابطه بین مردم و حکومت، سال گذشته سال گسترش و برآمد جنبش کارگری بود. جنبشی که در زمینه سازی و شکل دادن به عروج جنبش سرنگونی طلبانه در دیماه نقشی اساسی و تعیین کننده ایفا کرد. از نظر تعداد اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگری، مضمون رادیکال مطالبات و شعارهای مطرح شده در این اعتراضات، و از لحاظ اشکال مبارزه ، سال ٩٦ سالی ویژه بود. در مواردی نظیر مبارزات معلمان و بازنشستگان ما شاهد سازماندهی و برآمد سراسری اعترضات بودیم، و در مواردی نظیر مبارزات کارگران هپکو مارش خیابانی کارگران با شعار "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" جلوه تازه ای از رادیکالیسم جنبش کارگری و پیشکسوتی آنرا بعنوان طلایه دار خیزش توده ای در دیماه، به نمایش گذاشت. جنبش کارگری در سال گذشته نماینده توده مردم بزیر خط فقر رانده شده در مقابل آیت الله های میلیاردر بود و همین تقابل میان "فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی" بود که نهایتا خیزش دیماه را شعله ور کرد.

در مقابله مردم با حکومت در دوره قبل از دیماه میتوان به رخدادهائی نطیر آتش سوزی پلاسکو، انفجار معدن ذعال سنگ در یورت آزاد شهر، و زلزله در مناطق غربی کشور نیز اشاره کرد. این موارد حوادث و یا رخدادهای طبیعی نبودند بلکه فجایعی سیاسی - اجتماعی بودند که جمهوری اسلامی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دهی به آنان نقش مهمی داشت و به همین دلیل هر یک از این موارد به عرصه های تازه اعتراض و مقابله مردم با مسئولین و مقامات تبدیل شد.

**خلیل کیوان**: به این موارد نیز خواهیم پرداخت اما قبل از آن لازمست در مورد انتخابات ریاست جمهوری که در ٢٩ اردیبهشت با انتخاب روحانی به پایان رسید کمی تامل کنیم. شما این رویداد را چطور ارزیابی میکنید و تاثیر آن بر حوادث بعدی کشور را چگونه می بینید؟

**حمید تقوائی:** انتخابات از یکسو نشاندهنده بالاگرفتن و تشدید دعواهای جناحی حکومت بود و از سوی دیگر نشانه تضعیف خامنه ای و جناح طرفدارش تا حدی که از تقلب و مهندسی انتخابات ناتوان بودند. تنفر مردم از خامنه ای و کاندید مورد نطرش رئیسی باعث شد روحانی رئیس جمهور بشود اما او انتخاب کسی نبود. بر خلاف های و هوی اصلاح طلبان رای مردم - در همان حدی که در انتخابات شرکت کردند و به روحانی رای دادند- نه بخاطر طرفداری از سیاستها و تبلیغات او بلکه ناشی از مخالفتشان با خامنه ای و اصولگرایان بود. روحانی رئیس جمهورشد اما انتخاب کسی نبود. ما همان زمان اعلام کردیم که رای به روحانی، رای سلبی به خامنه ای است. مردم هم میخواستند به رهبری و کاندید مطلوبش تو دهنی بزنند و هم کشمکشهای درون حکومتی را تشدید کنند. این تبیین ما از انتخابات اردیبهشت ماه بود و خیزش توده ای مردم در دی ماه با شعار جمهوری اسلامی نمی خواهیم و "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" بر این تبیین تماما صحه گذاشت. بر خلاف تحلیلهای سطحی برخی رسانه های غربی متمایل به خط استحاله، خیزش دیماه نتیجه کارشکنی های خط اصولگرا و یا توهم زدائی به روحانی در یک فاصله هشت ماهه نبود. مردم از قبل، از همان آغاز دور اول ریاست جمهوری روحانی "حسن کلید ساز" را بخوبی میشناختند و توهمی به او نداشتند. اتفاقی که افتاد بچالش کشیدن مستقیم و صریح حکومت توسط توده مردمی بود که در انتخابات یا اساسا به پای صندوق رای نرفتند و یا به کوری چشم خامنه ای به روحانی رای دادند. مردمی که قبلا تلاش میکردند در بازیهای انتخاباتی به نحوی نارضائی و مخالفتشان را اعلام کنند، به خیابان آمدند و مستقیم و صریح کل حکومت را بچالش کشیدند. خیزش دیماه بازی انتخاباتی و تلاش حکومت برای مشروعیت خریدن در مضحکه های انتخاباتی را برای همیشه بپایان رساند وامید و توهم حکومتی ها و اپوزیسون ملی اسلامی آن به خط استحاله را تماما به باد داد. امروز کل جناح به اصطلاح اصلاح طلب همانقدر زیر فشار و هدف اعتراضات مردم است که جناح خامنه ای.

**خلیل کیوان**: شما بالاتر به حادثه آتش سوزی پلاسکو، انفجار معدن یورت آزاد شهر، و زلزله در غرب کشور اشاره کردید. هر یک از این حوادث به یک عرصه مقابله مردم با حکومت تبدیل شد. چرا؟ پیامدهای این مساله در جامعه چه بود و چه نقشی در شکل دادن به خیزش دیماه داشت؟

**حمید تقوائی**: سوانح طبیعی و یا اجتماعی نظیر زلزله و یا آتش سوزی ممکن است در هر کشوری اتفاق بیافتد اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این نوع حوادث رویدادهائی سیاسی هستند و بدنبال چنین اتفاقاتی مردم بدرست پای دولت و مسئولین و مقامات را بمیان میکشند.

جمهوری اسلامی حکومتی است که مسئولیتی در قبال جان و مال شهروندان احساس نمیکند، نه برای پیشگیری از چنین حوادثی و نه برای رسیدگی به قربانیان آن سیاست و اقدامی در دستور ندارد و سران و مقامات و مسئولینش چنان در فساد و دزدی و اختلاس و سوء استفاده غرق اند که حتی در سوانح طبیعی هدف و دغدغه شان سوء استفاده های مالی و پر کردن جیبهای گشاد خودشان است. مردم ایران به این واقعیات واقفند، در تجربه زندگی روزمره شان این رژیم را بخوبی شناخته اند، و از همین رو معمولا بدنبال حوادث و سوانح طبیعی و اجتماعی از یکسو اعتراضات بالا میگیرد و از سوی دیگر مردم دولت را دور میزنند و خود دست بکار کمک رسانی به قربانیان میشوند.

حادثه آتش سوزی پلاسکو که بیش از ٥٠ نفر کشته بجا گذاشت، موج همبستگی و همدردی گسترده ای را میان مردم و خانواده قربانیان و کارگران آتش نشانی موجب شد. حادثه انفجار معدن یورت نیز که در اثر آن بیش از ٤٠ معدنچی جان باختند، انعکاس وسیعی در جامعه پیدا کرد. و خشم و اعتراض عمومی بویژه در میان کارگران را در سراسر ایران بر انگیخت.

اما فاجعه ای که بیش از همه جامعه را تکان داد زلزله در کرمانشاه و برخی مناطق غربی کشور بود. در اثر این زلزله بنا به آمار رسمی بیش از ششصد نفر جان باختند، بیش از ده هزار نفر مجروح شدند و بیش از هفتاد هزار نفر بی خانمان و از هستی ساقط شدند. از همان اولین ساعات پس از وقوع زلزله اقدامات امدادرسانی از جانب توده مردم و نهادهای کارگری و ان. جی. او. ها آغاز شد. مقامات و مسئولین و ارگانها دولتی مانند همیشه نه تنها دردی از مردم دوا نکردند بلکه جزئی از صورت مساله مردم بودند. بی توجهی و بی مبالاتی مقامات در کنار دزدیها و سوء استفاده هایشان چه در پروژه های ساختمانی در مناطق زلزله زده قبل از وقوع زلزله و چه در به اصطلاح امداد رسانیهایشان چنان آشکا و رسوا بود که حتی باندهای حکومتی را به افشاگری متقابل و محکوم کردن یکدیگر واداشت.

بسیاری از بازماندگان زلزله تا همین امروز از حداقل امکانات زندگی و سرپناه محروم هستند و اعتراض به این وضعیت یک عرصه و زمینه مهم بر امد خیزش توده ای در دیماه، بخصوص در کرمانشاه و مناطق غربی کشور بود. اما رابطه این فجایع با جنبش سرنگونی که آغاز شده یک رابطه مستقیم و یک به یک نیست. مجموعه این حوادث و خشم و اعتراضات توده ای که در کل جامعه بر انگیخت به گفتمان و چنان فضای سیاسی- اعتراضی در جامعه و در مدیای اجتماعی شکل داد که نهایتا به بر آمد انفجاری اعتراضات در دیماه منجر شد.

**خلیل کیوان:** یکی از ویژه گی های سال ٩٦ گسترش اعتراضات اجتماعی و تعرضی تر شدن آنها بود. نه فقط حجم اعتراضات بلکه شعارها نیز تهاجمی تر و تندتر شد. امروز کارگران اعتراضاتشان را به خیابانها کشانده اند و در مواردی به عمل مستقیم روی آورده اند. پس از یک دوره رکود در فضای سیاسی دانشگاه ها مجددا شاهد اعتراضات وسیع دانشجویان در سال گذشته بودیم. اعتراضات علیه نابودی محیط زیست هم سراسر ایران را فرا گرفته است. در مورد این اعتراضات چه فکر میکنید؟

**حمید تقوایی:** اعتراضات پیگیر زنان علیه حجاب و محرومیتها و محدودیتهایشان در جامعه و خانواده، اعتراضات مالباختگان، و اعتراضات خانواده های قربانیان کشتار دهه شصت، اعدامیان و زندانیان سیاسی را نیز باید به این لیست اضافه کرد. دردها و مصائبی که موجب این اعتراضات شده مصادیق و نمونه های کنکرت توحش و جنایت پیشگی حکومت و ریشه های جنبش سرنگونی طلبانه ای است که در دیماه با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم در سراسر کشور سر بلند کرد.

در این میان همانطور که بالاتر هم اشاره کردم جنبش کارگری جایگاه ویژه ای دارد. کلا در چند سال اخیر جنبش کارگری نقاط عطف مهمی داشته و گامهای جهشی و قابل توجهی به جلو برداشته است. (بعنوان نمونه کیفر خواست رزمنده عبدی و عظیم زاده دو چهره سرشناس جنبش کارگری و جنبش معلمان از درون زندان در روز کارگر سال ٩٥). به نحوی که میتوان گفت فضای سیاسی بعد از سرکوبهای سال ٨٨ را اساسا جنبش کارگری به نفع مردم و به ضرر حکومت تغییرداد و به این معنی مهر خود را بر شرایط سیاسی و مبارزاتی در جامعه کوبید. اعتراضات سراسری معلمان و باز نشستگان که اساسا از طریق مدیای اجتماعی سازمان پیدا میکرد، شرکت خانواده های کارگران در تجمعات و اعتراضات کارگران، پیگیری و تداوم اعتصابات و اعتراضات، کشیده شدن اعتراضات کارگری به میادین و مراکز شهرها و مارش خیابانی کارگران و غیره و غیره همه جزء دستاوردها و پیشرویهای جنبش کارگری محسوب میشوند. این پیشرویها و دستاوردها بنوبه خود بخشهای دیگر جامعه را تحت تاثیر قرار داده و به حرکت در آورده است. نظیر جنبش دانشجوئی، که شما به عروج مجدد آن اشاره کردید، و همچنین جنبش بازنشستگان، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه توده عظیم مردم محروم علیه فقر و ثروتهای بادآورده و حقوقهای نجومی. جنبش کارگری یک رکن مهم به حرکت در امدن جامعه علیه حکومت و شکل گیری و تداوم جنبش انقلابی ای است که از دیماه آغاز شد.

**خلیل کیوان:** خیزش دیماه مهمترین رویداد سال ٩٦ بود. مردم در بیش از ٩٠ شهر علیه جمهوری اسلامی به خیابانها ریختند. چرا جامعه چنین با سرعت، وسعت و حدت به چنین اعتراضاتی روی آورد؟ تبیین شما از این تحول چیست؟

**حمید تقوایی:** در نگاه اول خیزش دیماه یک انفجار ناگهانی به نظر میرسد که به سرعت عروج کرد و فرو نشست اما این تحول نه غیر مترقبه و ابتدابساکن بود و نه بهیچوجه فروکش کرده است. همانطور که بالاتر اشاره کردم خیزش دی ماه در ادامه اعتراضات و مبارزات گسترده ای رخ داد که در چند سال اخیر و بویژه از آغاز سال ٩٦ در عرصه های متعددی شکل گرفته بود. مشخصا تجمعات و اعتصابات در صدها مرکز کارگری، در پتروشیمی ها، ماشین سازیها، آب و برق، مخابرات، معادن، معلمان و پرستاران و باز نشستگان و غیره و غیره جنبش کارگری را در مرکز توجه جامعه قرار داده و فضای اعتراضی چپ و رادیکالی در جامعه بوجود آورده بود. در چنین فضائی جنبشهای اعتراضی دیگر نیز فعالتر و پر تحرک تر از گذشته بمیدان آمده بودند. جنبش علیه بیحقوقی مفرط زنان، علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی، جنبش علیه اعدام، مبارزه علیه پرونده سازیهای امنیتی و برای آزادی زندانیان سیاسی، و اعتراضات پیگیر مالباختگان از جمله مهمترین عرصه های فعال و پر تحرک در سال گذشته بودند.

از سوی دیگر، در قطب مقابل مردم، بحران و بهم ریختگی صفوف حکومت هر روز عمیق تر و شدید تر میشد. حکومت با بن بست و ورشکستگی کامل اقتصادی روبرو بود، و در حالی که حقوقهای نجومی مقامات و دزدیهای آیت الله های میلیاردر و باندهای حکومتی به موضوع خود افشاگریهای هر روزه باندهای حکومتی تبدیل شده بود، گرانی و بیکاری و فقر و فلاکت در جامعه بیداد میکرد و هر روز شدید تر و گسترده تر میشد.

این اوضاع پیش شرط کلاسیک شکلگیری انقلاب در هر جامعه ای است. یک جامعه پولاریزه شده با دولتی که نمیتواند حکومت کند و مردمی که نمیتوانند تحمل کنند. در یکسو کمپ سرمایه با حکومت اسلامی و مفتخوران و باندهای مافیائی مالتی میلیاردرش قرار داشت، و در سوی دیگرکمپ کار با نود و نه درصدیهای بزیر خط فقر رانده شده و به ستوه آمده از فساد و تحجر و توحش حکومت اسلامی مفتخوران سرمایه دار. خیزش دی ماه حاصل رویاروئی این دو قطب طبقاتی در خیابانها بود. مردمی که در روز اول با شعار مرگ بر گرانی و بیکاری به خیابانها آمده بودند در روز دوم با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم و مرگ بر دیکتاتور دست به ریشه مصائب خود بردند. دیگر، همانطور که در ادامه این مبارزات نماینده کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه اعلام کرد، مطالبه ای در کار نبود. جامعه اعلام کرد جمهوری اسلامی باید برود و این نقطه عطفی در جنبشهای اعتراضی بود که تا آن زمان ناگزیر بودند گرایش سرنگونی طلبانه خود را در قالب شعارهای صنفی- مطالباتی بیان کنند. در دیماه این استتار بکناری گذاشته شد و کارگران و توده مردمی که فقر و بیحقوقی و توحش و زن ستیزی و انسانیت ستیزی حکومت به ستوه آمده بودند صریح و روشن و شفاف اعلام کردند بازی اصلاح طلب و اصولگرا به پایان رسیده و روند سرنگونی حکومت آغاز شده است.

**خلیل کیوان:** برخورد جمهوری اسلامی با زندانیان پرده دیگری از جنایت پیشگی این حکومت را در مقابل چشم مردم ایران و جهان به تمایش گذاشت. جمهوری اسلامی کم نکشته است اما "خود کشی دادن" های زندانیان در این سال برجسته شد. چرا جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را خود کشی میکند؟

**حمید تقوایی:** این تلاش جنایتکارانه ای است برای ارعاب جامعه از یک موضع ضعف و استیصال. از یکسو میخواهند با کشتن مخالفین مردم را بترسانند و از سوی دیگر مجبورند این جنایت را "خودکشی" بنامند چون از عکس العمل جامعه میترسند. واقعیت اینست که این نوع جنایات تنها تنفر مردم از آدمکشان حاکم را شدیدتر و عزمشان برای بزیر کشیدن این جلادان را راسخ تر میکند. جمهوری اسلامی دارای پرونده قطوری در کشتار و ترور مخالفین، در زندانها و در خارج از زندانها حتی در خارج کشوراست. این "خودکشی" کردن زندانیان برگ دیگری در این پرونده سیاه است و میتواند و باید آخرین آن باشد.

**خلیل کیوان:** پدیده دختران خیابان انقلاب از مهمترین رویدادها بود که انعکاس وسیعی داشت و مورد توجه بسیار قرار گرفت. این موضوع را چطور می توان توضیح داد؟

**حمید تقوائی:** اقدام شجاعانه دختران انقلاب ازینرو مورد توجه مردم و افکار عمومی در ایران و در سطح جهانی قرار گرفته است که بر یک مساله اساسی جامعه انگشت میگذارد: مساله حجاب بعنوان سمبل و مظهر آپارتاید جنسی و بیحقوقی مفرط زنان در ایران. ما بارها تاکید کرده ایم که حجاب صرفا یک پوشش نیست، مظهر فرودستی و بیحقوقی زنان و هویت زن ستیزانه حکومت اسلامی است و به همین دلیل مبارزه علیه حجاب مبارزه ای است اساسا برسر شکستن دیوار آپارتاید جنسی و رهائی و برابری زنان در همه عرصه ها و زمینه ها. اما مباره علیه حجاب حتی از چارچوب رهائی زن فراتر میرود. امروز حجاب به سمبل جنبش فوق ارتجاعی اسلام سیاسی در همه دنیا تبدیل شده است و به این معنی برای جمهوری اسلامی یک امر هویتی- استراتژیک است. جمهوری اسلامی بدون حجاب نمیتواند دوام بیاورد چون با بر باد رفتن حجابها هویت و ایدئولوژی حکومتی اش نیز بر باد میرود. این را هم حکومتی ها بخوبی میدانند و هم مردم. به همین دلیل است که حرکت دختران خیابان انقلاب تکثیر میشود و به برداشتن دسته جمعی حجابها در خیابانها و در مترو تهران در روز هشت مارس منجر میشود؛ و در مقابل، مقامات حکومتی از جمله خامنه ای خود را ناگزیر می بینند بارها علیه این حرکت منبر بروند و خط و نشان بکشند.

ما از مدتها قبل پیش بینی کرده بودیم که انقلاب در ایران زنانه خواهد بود به این معنی که اولا مساله فرودستی و بیحقوقی مفرط زنان یک مساله و عرصه مهم نبرد در روند انقلاب خواهد بود و ثانیا زنان نقش فعال و پر تحرکی در انقلاب ایفا خواهند کرد. حرکت دختران انقلاب بر این ارزیابی ما صحه میگذارد. به نظر من در ادامه خیزش دیماه اساسا دو جنبش اجتماعی خیزش سرنگونی طلبانه مردم را زنده نگاه داشته و به آن تداوم می بخشند: جنبش رهائی زن که با دختران انقلاب نمایندگی میشود و جنبش علیه فقر و فلاکت که پرچم آن در دست کارگران است. جمهوری اسلامی نه قادر به دست کشیدن از آپارتاید جنسی و برسمیت شناسی برابری زن و مرد است و نه میتواند مساله فقر و فلاکت را حل کند. گسترش و پیشروی جنبش سرنگونی در این دو عرصه جمهوری اسلامی را به زانو در خواهد آورد.

**خلیل کیوان:** فعالیت ها و اقداماتی که برای دستگیری و پیگرد هاشمی شاهرودی در آلمان انجام شد از خبرسازترین رویداهای سال گذشته بود. چرا این موضوع خبرساز شد و مورد توجه در کشور و خارج کشور قرار گرفت؟

**حمید تقوایی:** دستگیری و محاکمه شاهرودی به یک مساله مهم و خبر ساز تبدیل شد به این دلیل که جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت جنایتکار و عامل ترور و کشتار سبعانه مردم در تمام دوران حاکمتیش، بویژه در ده شصت، شهره آفاق است. شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه و رئیس کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، مظهر و نماینده چنین حکومتی است و زمانی که ایرانیان مقیم خارج و نیروهای سیاسی چپ و آزادیخواه مطلع شدند که او در آلمان به سر میبرد حرکت و کمپین وسیعی برای بازداشت و محاکمه او آغاز شد. در این حرکت حزب ما و بویژه مینا احدی نقش فعال و تعیین کنندای ایفا کرد. این کمپین بر متن اوجگیری مبارزات سرنگونی طلبانه در ایران، توانست یکبار دیگر توجه مردم در ایران و در آلمان و در دیگر کشورها را به جنایت جمهوری اسلامی جلب کند. کمپین محاکمه شاهرودی اساسا بخاطر سیاست مماشات جویانه دولت آلمان، که شاهرودی را مخفیانه از بیمارستان به فرودگاه برد و فراری داد، نتوانست به دستگیری او منجر بشود ولی با این همه کمپین موفق و موثری بود. باز شدن پرونده جنایات شاهرودی و خبر ساز شدن و داغ شدن این موضوع در آلمان و بدرجاتی در اروپا و در خود ایران و نهایتا فرار مفتضحانه شاهرودی از نتایج و تاثیرات مثبت این کارزار بود.

دستگیری و محاکمه مقامات و سران حکومت اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت یک امر نیروهای چپ و آزدایخواه است. مشخصا ایران تریبونال نهادی است که تا کنون با تشکیل دادگاه غیابی مسئولین و سران جمهوری اسلامی گامهای موثری در این جهت بجلو برداشته است و حزب ما نیز مدتهاست این امر را پیگیرانه دنبال میکند. کارزار پیگرد شاهرودی که بر متن خیزش انقلابی مردم ایران صورت گرفت گام دیگری در جهت رسوا و محکوم کردن سران و مقامات حکومت جنایت پیشه جمهوری اسلامی در دادگاه افکار عمومی جهانیان بود.

**خلیل کیوان:** بعنوان آخرین سئوال جمع بندی شما از سال گذشته چیست؟ تقابل جامعه و جمهوری اسلامی و صف بندی نیروهای سیاسی و اجتماعی را چگونه می بینید؟

**حمید تقوایی:** سال گذشته سال پولاریزه شدن بیش از پیش جامعه بین دو اردوی کار و سرمایه، بین نود و نه درصدیهای بزیر خط فقر رانده شده و یک درصدیهای مفتخور حاکم، بود. خیزش دیماه نقطه اوج این تقابل و نقطه عطفی در روند مبارزات مردم محسوب میشود. میتوان گفت امروز بدنبال خیزش دی ٩٦ جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم در فضای سیاسی ایران حرف آخر را میزند و مهر خود را بر همه چیز، از روابط میان جناحهای حکومتی تا موقعیت حکومت در منطقه و تا رابطه دولتهای غربی با جمهوری اسلامی میکوبد. بر متن چنین شرایطی است که همه، از فوکویاما، استراتژیست سیاسی آمریکائی تا وزیر کشور روحانی از انفجار اجتماعی ای که در راه است صحبت میکنند.

سیاستها و موضعگیریهای نیروهای اپوزیسیون نیز تماما متاثر از این شرایط است. نیروهای راست سلطنت طلب که از لحاظ استراتژیک و هویت سیاسی شان با انقلاب میانه ای ندارند تلاش میکنند اعتراضات مردم را در چارچوب مقابله ناسیونالیسم و ایرانیت با اسلامیت، یا بعبارت دقیقتر با "آخوندهائی که از مذهب و ایمان مردم سوء استفاده کرده اند"، تبیین و تحریف کنند. اینان گذشته را به مردم وعده میدهند و به همین دلیل آینده ای نخواهند داشت.

شاخه دیگرِ نیروهای هراسان از انقلاب، یعنی ملی- اسلامی هائی که از بد حادثه به اپوزیسیون رانده شد ه اند، به یکباره افق و چشم انداز اصلاح و استحاله رژیم را از دست داده اند و مذبوحانه میکوشند با تمهیداتی نظیر رفراندوم و تشکیل شورای نجات ملی و غیره راه مفری برای نظام اسلامی بیابند. و البته همه این تلاشها با زبان دفاع از مردم و انتقاد از کم کاریها و اشتباهات و حتی فساد مقامات حکومتی انجام میشود.

خیزشی که از دیماه آغاز شد گفتمان جناحهای حکومتی و نیروهای سیاسی جامعه را تماما تغییر داده است. دیگر گفتمان مشروعیت انتخاباتی حکومت و کش و قوسهای برجام و بازگشائی اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و خط تدبیر و امید در برابر اسلام ضد آمریکائی و حدود اختیارات ولی فقیه و هیاهوی جنبش سبز و بنفش و ادعاها و خط و نشان کشیدنهای منطقه ای سردارن سپاه جایگاه چندانی در فضای سیاسی ایران ندارد. همه چیز تحت تاثیر خیزش دیماه تغییر کرده است. همه منتظر ضربه نهائی هستند. حکومتی ها با تشویش و اضطراب و نیروهای انقلابی با امید و اعتماد. خیزش دیماه پایان ماجرای اصولگرا- اصلاح طلب را اعلام کرد؛ آنچه آغاز شده است انقلابی است که میرود بساط حکومت اسلامی سرمایه داران را در هم بپیچد.